



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

رهنمودهای

تربیتی

امام کاظم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رهنمودهای تربیتی امام کاظم علیه السلام

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	رهنمودهای تربیتی امام کاظم علیه‌السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	گام نخست در تربیت: انتخاب همسر
۷	اشاره
۷	صالح بودن
۸	کفو بودن
۸	عاطفه همسر
۸	عفاف و پاکدامنی همسر
۸	امام کاظم و انتخاب همسر شایسته
۸	اشاره
۸	مادر امام رضا
۹	ام احمد (مادر شاهچراغ)
۹	اولین نیکی به فرزند
۱۰	عقیقه و ولیمه فرزند
۱۰	احترام به فرزند
۱۰	فرزندان و محبت
۱۱	کودک و وابستگی به والدین
۱۱	وفا به وعده
۱۱	کودکان و نماز
۱۲	فرزندان و بستر استراحت
۱۲	فرزندان و مسوولیت

- ۱۲ ناآرامی کودکان
- ۱۲ تفاوت آری، تبعیض هرگز
- ۱۳ موقعیت اجتماعی فرزندان
- ۱۳ والدین و موعظه فرزندان
- ۱۴ مسافرت خانوادگی
- ۱۴ تربیت از تولد تا مرگ
- ۱۴ پاورقی
- ۱۶ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

رهنمودهای تربیتی امام کاظم علیه السلام

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران
 عنوان و نام پدیدآور: رهنمودهای تربیتی امام کاظم علیه السلام
 منشا مقاله: مسجد، ش ۱۴۱، شهریور ۱۳۸۸: ص ۹۸ - ۱۰۱
 توصیفگر: موسی بن جعفر (ع)، امام هفتم، ۱۲۸ - ۱۸۳ ق.
 توصیفگر: آموزش و پرورش +
 توصیفگر: اسلام
 توصیفگر: فرزندان
 توصیفگر: کودکان
 توصیفگر: احادیث

مقدمه

آنچه در امر تربیت مهم و اساسی است ارائه شیوه‌های اطمینان بخش تربیتی است که ضمن دربرداشتن همه ابعاد زندگی انسان او را به سعادت حقیقی که همان مقام قرب الهی است نائل گرداند و بی‌شک چنین شیوه‌های تربیتی جز از سیره قولی و عملی اسوه‌های راستین دین یعنی معصومین (علیهم‌السلام) میسر نیست. بدین جهت ضروری می‌نماید که زندگانی معصومین (علیهم‌السلام) را بطور کامل و دقیق از منظر تربیت نگریست و از خلال سیره رفتاری و گفتاری آنها تربیت صحیح را عرضه نمود. در این مقاله تلاش بر آن است که گوشه‌هایی از سیره امام کاظم (علیه السلام) در تربیت فرزندان را هر چند ناقص به تصویر بکشانیم.

گام نخست در تربیت: انتخاب همسر

اشاره

از ویژگیهای انحصاری اسلام نگاه عمیق و ریشه‌ای به امر تربیت است، از دیدگاه اسلام زمینه‌های تربیت را نه از لحظه تولد که از مدتها قبل باید فراهم نمود، از بزرگترین اهداف ازدواج تربیت فرزندان صالح و شایسته است، ازدواج تنها یافتن شریک در زندگی مشترک و پیوند ساده میان زن و مرد نیست بلکه مرد باید مادری شایسته و زن، پدری لایق برای فرزندان آینده خود برگزیند امام کاظم (علیه السلام) فرموده است: ... و اختاروا لطفکم... برای نطفه‌های خود انتخاب کنید [مادران شایسته‌ای برای فرزندان آینده‌تان برگزینید] [۱] و نیز آن حضرت ویژگیهایی را برای انتخاب همسر فرمود که رعایت آنها شرط موفقیت در زندگی آینده است، برخی از این معیارها عبارتند از:

صالح بودن

آن حضرت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: خداوند فایده‌ای بهتر از همسر صالحه به انسان نداده تا وقتی او را می‌بیند خوشحال گردد و هر گاه شوهر خارج از منزل است خود و مال شوهر را

حفظ نماید. [۲] همچنین آن حضرت دعایی را به اصحاب تعلیم دادند که از خداوند طلب همسر صالح و مهربان کنند: «اللهم ارزقنی زوجةً صالحهً ودوداً...» [۳] و سفارش کردند که این دعا را بعد از نماز و قرائت سوره فاتحه و یس بخوانند. [۴].

کفو بودن

هم شأن بودن والدین، در تربیت اولاد نقش بسزایی دارد، چنانچه والدین از نظر سطح سواد و فرهنگ و مسائل اخلاقی و اعتقادی به هم نزدیک نباشند دچار تضاد و ناهماهنگی در تربیت خواهند شد و تربیت مطلوب حاصل نخواهد گشت. امام کاظم (علیه السلام) در حدیثی می‌فرماید: «وانكحوا الاكفاء... با همسرانی که همسطح و کفو شما باشند ازدواج کنید...» [۵].

عاطفه همسر

فرزند بیش از هر چیز بویژه در دوران کودکی نیاز به محبت دارد، با محبت بودن همسر از دو جهت اهمیت دارد از طرفی کانون خانواده را صفای بیشتر می‌بخشد و باعث نیرو و توان بیشتر مدیر خانواده یعنی شوهر می‌گردد و از طرف دیگر فرزندان تشنه محبت خود را از چشمه زلال محبت سیراب و روان آنها را طراوت می‌بخشد. امام کاظم (علیه السلام) در دعایی که به اصحاب تعلیم دادند طلب همسر ودود و باعاطفه زیاد را از خداوند، سفارش نمودند. [۶].

عفاف و پاکدامنی همسر

عفاف و پاکدامنی از معیارهای ضروری انتخاب همسر است؛ زیرا فرزندان طیب و پاکیزه از دامان مادران پاکدامن و با عفت پرورش خواهند یافت. امام کاظم (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می‌کند که فرمود: «با زنان فلان طایفه ازدواج کنید زیرا آنها با عفت هستند و زنان آنان نیز با عفتند و با زنان فلان طایفه ازدواج نکنید زیرا آنان با عفت نیستند و زنانشان نیز با عفت نخواهند بود» [۷] و نیز علی بن جعفر می‌گوید از برادرش سؤال کردم آیا استفاده از شیر زنی که از راه زنا بچه زاییده صلاح هست؟ فرمود: استفاده از شیر او و شیر دختر او که از زنا متولد شده صلاح نیست. [۸].

امام کاظم و انتخاب همسر شایسته

اشاره

امام هفتم (علیه السلام) بیش از آنکه دیگران را به انتخاب همسر شایسته توصیه کند خود بدین امر اساسی اهمیت می‌داد و برای فرزندان خود مادران صالح و شایسته انتخاب نمود، نکته قابل توجه اینکه هر کدام از همسران ایشان که از نظر تقوی و فضیلت برجسته‌تر بودند فرزندان بلند مرتبه‌تری داشتند برای نمونه به منزلت دو نفر از همسران آن حضرت اشاره می‌کنیم:

مادر امام رضا

از عون بن محمد کندی روایت شده که من مردی را آگاهتر از علی بن میثم به کارهای ائمه (علیهم السلام) و ازدواجشان ندیدم او می‌گفت که حمیده مصفاة مادر حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (علیه السلام) که از اشراف و بزرگان عجم بود کنیزی خرید و اسم آن تکتم بود و او در عقل و دین و احترام به حمیده بهترین زن بود بطوری که به احترام حمیده هیچگاه در مقابل او نمی‌نشست، حمیده به فرزندش گفت: پسر من کنیزی بهتر از تکتم سراغ ندارم و شکی ندارم اگر فرزندی داشته باشد خداوند او را

پاکیزه می‌گرداند و من این کنیز را به تو بخشیدم، درباره او سفارش به نیکی کن، آنگاه که حضرت رضا (علیه السلام) از آن بانو متولد شد او را طاهره نامید، نوزادش سالم بود و از او شیر زیادی می‌خورد، آن بانو درخواست کرد دایه‌ای بگیرند که در شیر دادن به او کمک کند. از او پرسیدند مگر شیر تو کم شده؟ گفت شیرم کم نشده اما من اوراد، اذکار و عبادتهایی داشتم و از هنگامی که فرزندم به دنیا آمد، کمتر به آنها می‌رسم. [۹].

ام احمد (مادر شاهچراغ)

ام احمد تنها زنی است که امام کاظم (علیه السلام) در وصیتنامه خود از او یاد می‌کند، مرحوم مجلسی درباره او می‌نویسد: مادر احمد از زنان مورد احترام بود و امام کاظم (علیه السلام) علاقه شدیدی به او داشت، هنگامی که حضرت می‌خواست از مدینه به سوی بغداد حرکت کند، ودیعه‌های امامت را پیش او سپرد و فرمود: هرگاه کسی پیش تو آمد، در هر وقتی از اوقات که باشد و این امانت را از تو طلب کرد، بدان که من به شهادت رسیدم و او جانشین بعد از من و امامی است که اطاعت او بر شما و دیگران واجب است. [۱۰].

اولین نیکی به فرزند

انتخاب نام نیکو از حقوق فرزند بر والدین و نشانه احترام و اهمیت آنها به آینده فرزند می‌باشد. نام علامتی است که فرزند آن را تا پایان عمر به همراه دارد اگر نیکو باشد مایه سرور و شادی فرزند و اگر ناپسند و زشت باشد باعث اندوه و حسرت او می‌گردد. موسی بن بکر از امام کاظم (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: اولین کار نیک پدر برای فرزند این است که نام نیکو برایش انتخاب نماید. [۱۱] در حدیث دیگری آن حضرت برخی از اسامی نیکو را ذکر می‌نماید. سلیمان جعفری می‌گوید از حضرت کاظم (علیه السلام) شنیدم که فرمود: خانه‌ای که یکی از اسمهای محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب و فاطمه در آن باشد فقر در آن داخل نمی‌شود. [۱۲]. اهمیت نام نیکو بدان حد است که گاهی حضرت از نامهای ناپسند نهی می‌فرمود و حتی در کودکی نسبت به آن حساس بود: یعقوب سراج نقل می‌کند که بر حضرت ابی‌عبدالله (امام صادق) (علیه السلام) وارد شدم در حالیکه بر بالین فرزندش (امام کاظم علیه السلام) ایستاده بود و موسی (علیه السلام) در گاهواره جای داشت و حضرت با او نجوی می‌کرد و آهسته سخنانی می‌گفت آنقدر تأمل کردم تا سخنانش با فرزند تمام شد، آنگاه فرمود: نزدیک بیا و سلام کن، رفتم و سلام کردم، آن طفل با بیانی فصیح و روشن جواب سلام مرا داده و فرمود: برو و نام دخترت را که دیروز [حمیراء] نام نهاده‌ای تغییر ده، به درستی این نامی است که خداوند را به غضب می‌آورد، آنگاه حضرت صادق (علیه السلام) به من فرمود: زود برو و آنچه موسی (علیه السلام) گفت عمل کن تا کامیاب شوی، سپس من نام دخترم را از حمیراء تغییر دادم. [۱۳]. سیره عملی امام کاظم (علیه السلام) گواه صادقی بر اهمیت نام نیکو برای فرزندان است، آن حضرت با کثرت فرزندان برای آنها نام نیکو برگزید و حتی در مواردی اسامی مشترک انتخاب نموده و با پسوند اکبر، کبری، وسطی و صغری آنها را از هم جدا می‌کرد. مرحوم مجلسی در بحارالانوار تعداد فرزندان آن حضرت را ۳۷ نفر ذکر می‌کند و از اسامی آنان چنین یاد می‌کند: الف) پسران: علی (رضا علیه السلام)، ابراهیم، عباس، قاسم، جعفر، اسماعیل، هارون، حسن، احمد، محمد، حمزه، عبدالله، اسحاق، عبیدالله، زید، حسین، فضل و سلیمان. ب) دختران: فاطمه کبری، فاطمه صغری، رقیه، حکیمه، ام ابیها، رقیه صغری، کلثوم، ام جعفر، لبانه، زینب، خدیجه، علیّه، آمنه، حسنه، بریهه، عائشه، ام سلمه، میمونه و ام کلثوم. [۱۴]. همچنین از عمده‌الطالب، ابراهیم اکبر و ابراهیم اصغر را نقل می‌کند. [۱۵] علاوه بر مرحوم مجلسی برخی، نامهای مشترک دیگری را چون زینب، زینب الکبری، خدیجه، خدیجه الکبری، ام کلثوم الکبری، ام کلثوم الوسطی و ام کلثوم الصغری را برای فرزندان امام کاظم (علیه السلام) ذکر کرده‌اند. [۱۶].

عقیقه و ولیمه فرزند

عقیقه و ولیمه علاوه بر آثار اجتماعی چون اطعام فقراء و مؤمنین، برای کودک نیز مؤثر خواهد بود؛ زیرا از طرفی نشانه احترام والدین به کودک است و از طرف دیگر به منزله تأمین و حفظ سلامتی فرزند است. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: کل مولد مرتهن بالعقیقه: هر نوزادی در گروه عقیقه است. [۱۷]. اهمیت عقیقه تا بدانجاست که امام کاظم (علیه السلام) فرمود: هنگام تولد فرزند عقیقه برای او واجب است، [۱۸] تعبیر به وجوب هر چند از نظر فقهی واجب شرعی نیست و عقیقه یک عمل مستحبی است، اما نشانه اهمیت آن می‌باشد. در مورد ولیمه، علی بن حکم از بعضی اصحاب نقل می‌کند که امام کاظم (علیه السلام) برای بعضی فرزندان ولیمه داد و اهل مدینه را تا سه روز از اقسام فالوده‌ها (غذای معمول آن زمان) در دیگهای بزرگ در مساجد و برزنها طعام دادند، بعضی از اهل مدینه به خاطر این کار بر حضرت عیب گرفتند، خبر به گوش حضرت (علیه السلام) رسید، فرمود: خداوند هیچ چیزی را به پیامبری نداده الا اینکه مانند آن را به پیامبر [خاتم] عطا کرده و بلکه به او چیزهایی داده که به دیگران نداده است، به سلیمان فرمود «هذا عطائنا فامنن او امسک بغیر حساب» [۱۹]. محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «ما اتيكم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا» هر آنچه پیامبر به شما آموخت فرا بگیرید و عمل کنید و از آنچه شما را منع کرده پرهیز نمایید. [۲۰].

احترام به فرزند

افراد نسبت به رعایت ادب و احترام دیگران متفاوتند، برخی به نحو شایسته‌ای نسبت به دیگران رعایت ادب و احترام می‌نمایند و در اصل احترام و ادب فرقی میان بزرگترها و کوچکترهای اعضای خانواده خود و دیگران قایل نیستند، برخی دیگر در خارج از کانون خانواده خویش و نسبت به دیگران بسیار مؤدب می‌نمایند و چه بسا به رعایت ادب و احترام شهرت یافته‌اند اما در کانون خانواده خویش چنان احترامی را لازم نمی‌دانند و رفتار و گفتاری مؤدبانه و محترمانه آنچنان که می‌بایست در مقابل فرزندان خود ندارند، عده‌ای دیگر هستند که فقط بزرگترها را شایسته رعایت ادب و احترام می‌دانند و به کودکان وقعی نمی‌نهند و با پندار خود آنان را بچه می‌انگارند غافل از آنکه گرچه ما آنان را کودک می‌پنداریم اما آنان خود را کوچک و کودک نمی‌پندارند بلکه در حد فهم خود تصور بزرگی از خویشان دارند، باید دانست که رعایت ادب و احترام صرفاً نه در خارج منزل شایسته است و نه هم فقط نسبت به بزرگترها بایسته، بلکه همچنانکه احترام به بزرگترها لازم است و شایسته نسبت به کوچکترها نیز ضروری است و بایسته زیرا کودک ادب و احترام را در آموزشگاه خانواده فرا گرفته و آن را در صحنه اجتماع به نمایش می‌گذارد. از سلیمان بن حفص مروزی نقل شده که گفت: موسی بن جعفر فرزند خود علی را «رضا» نامید و هر زمان که نام او را بدون خطاب به او بر زبان جاری می‌کرد، می‌فرمود: بگوئید فرزند من رضا، نزد من بیاید و به فرزند خود «رضا» چنین گفتم و فرزند من رضا چنان گفت و هرگاه آن جناب را مخاطب قرار می‌داد، می‌فرمود: یا ابالحسن [۲۱]. امام (علیه السلام) نه تنها در زمان حیات فرزندان آنها را احترام می‌نمود که بعد از مرگ آنها نیز برای آنها احترام قائل می‌شد و این رفتار برای فرزندان که در قید حیات بودند بسیار جالب و با اهمیت بود. یونس بن یعقوب نقل می‌کند هنگامی که امام موسی (علیه السلام) از بغداد به مدینه برگشت، فرزند او در «فید» [۲۲] وفات یافت. حضرت او را در همانجا دفن نمود و به بعضی از دوستانش سفارش کرد که قبر او را با گچ بسازند و نام او را بر لوحی نوشته، بر قبرش بگذارند. [۲۳].

فرزندان و محبت

فرزندان گل‌های بوستان زندگیند و کام تشنه آنها جز با محبت والدین سیراب نمی‌گردد، هر نوع کوتاهی در سیراب نمودن آنها اثری جز پژمرده شدن این گل‌های معطر به دنبال ندارد، برخی والدین از نقش محبت در رشد معنوی و حتی جسمانی فرزندان خود غافلند و کمتر به اهمیت و تأثیر سحرآمیز آن توجه دارند در حالی که محبت داروی شفابخش بسیاری دردهاست، بسیاری از ناسازگاریها و پرخاشگریهای فرزندان را با محبت می‌توان پیشگیری نمود، نکته مهم در محبت و عاطفه به فرزندان اظهار و ابراز آن است چه بسا والدینی که فرزندان خود را بسیار هم دوست می‌دارند، اما کمتر این عاطفه قلبی خود را ابراز می‌کنند. از بهترین شکلهای اظهار محبت در آغوش گرفتن و بوسیدن فرزند در کودکی و هدیه دادن در نوجوانی و جوانی است. مفضل بن عمر نقل می‌کند که بر موسی بن جعفر (علیه السلام) وارد شدم در حالیکه فرزندش علی (علیه السلام) در کنارش نشسته بود و او را می‌بوسید و زبان او را می‌مکید و او را بر شانه خود می‌گذاشت و او را به خود می‌چسباند و می‌فرمود: پدر و مادرم به فدای تو باد چقدر خوشبو و پاکیزه است بوی تو و چقدر خلقت تو پاک و طاهر است و چقدر فضل تو ظاهر است... [۲۴].

کودک و وابستگی به والدین

پیوند عاطفی والدین و فرزندان از نشانه‌های خداوند است؛ پیوند ناگسستنی و بی‌شائبه‌ای که بر اساس محبت است نه نیاز و منفعت. وابستگی عاطفی فرزند به والدین بیش از تعلق خاطر والدین به فرزند است. نیاز به عاطفه سراسر وجود کودک را فرا گرفته و او را به عنایت والدین نیازمند ساخته است. کودک توان دوری از والدین را ندارد و هرگونه بی‌توجهی پدر و مادر به این وابستگی می‌تواند در آینده برای کودک مشکل‌آفرین باشد. متأسفانه امروزه برخی از والدین، بی‌آنکه ناگزیر باشند، فرزندان خود را به مهد کودک می‌سپارند. هر چند مهد کودک بعد اجتماعی کودکان را پرورش می‌دهد، اما هرگز پاسخگوی نیاز حیاتی کودک به عاطفه نیست. بنابراین شایسته است والدین، در حد امکان، فرزندان خود را از حلاوت مهر مادری و عطف پدیری محروم نسازند. توجه به وابستگی کودک چنان مهم است که حتی در محافل نباید میان پدر و فرزند که کنار هم نشسته‌اند، فاصله انداخت. امام کاظم (ع) می‌فرماید: رسول خدا (ص) از فاصله انداختن بین پدر و فرزند نهی فرمود. [۲۵].

وفا به وعده

وفای به وعده، حتی در برابر کفار، از صفات پسندیده و مورد توجه پیشوایان دین است. این عمل مهم در برخورد با کودکان از اهمیت بیشتری برخوردار است. کودکان جز به تحقق وعده والدین نمی‌اندیشند، در وفای والدین تردید ندارند و همواره به انتظار لحظه موعود می‌نشینند. هرگونه تاخیر و تخلف در وفای به وعده آنها را می‌آزارد و به تخریب روحیه اعتماد به والدین می‌انجامد. افزون بر این، چنین کردار ناپسندی غیر مستقیم درس پیمان‌شکنی به آنان می‌آموزد. کلیب صیداوی نقل می‌کند که، امام کاظم (ع) فرمود: اذا وعدتم الصبیان وفوا لهم...؛ هنگامی که به فرزندانتان وعده دادید، وفا کنید؛ همانا کودکان چنان می‌پندارند که شما به آنها روزی می‌دهید. خداوند متعال به خاطر هیچ چیزی به اندازه زنان و کودکان خشمگین نمی‌شود. [۲۶].

کودکان و نماز

نماز ستون دین و سرچشمه همه نیکیهاست. هرچند این امر مهم همزمان با سن تکلیف بر انسان واجب می‌شود؛ اما هر چه زودتر فرزندان با آن آشنا گردند، سریعتر تحت الطاف الهی قرار می‌گیرند و شتابانتر در راه کسب فضایل اخلاقی گام خواهند گذاشت. انسانی که از کودکی با نماز آشنا و مانوس شود، زودتر شیرینی عبادت و ارتباط با پروردگار را می‌چشد و دیگر هرگز ذائقه دلش طعم تلخ گناه را نمی‌پسندد. از بعد اجتماعی نیز نماز، نوجوان را به جماعت نیک رفتاران و پسندیدگان پیوند می‌دهد و از فرو رفتن

در گرداب آشنایی با آلودگان و تبهکاران بازمی‌دارد. نماز در نوجوانی و قبل از تکلیف، تجربه‌ای شیرین و جذاب است، هنگام تکلیف، احساس سختی فرایض را از انسان دور می‌سازد. بدین جهت ائمه علیهم السلام فرزندان خود را، قبل از سن تکلیف، با نماز آشنا می‌ساختند. امام کاظم (ع) فرمود: مروا صبیانکم بالصلاه اذا كانوا سبع سنین...؛ هنگامی که فرزندانتان به سن هفت سالگی رسیدند، آنها را به نماز فرمان دهید. [۲۷].

فرزندان و بستر استراحت

اسلام به پیشگیری از گناه اهمیت بسیار می‌دهد و برای از بین بردن زمینه‌های گناه تاکید می‌کند. رعایت حجاب، پرهیز از اختلاط زنان و مردان، کراهت سخن گفتن بسیار با نامحرمان و... از همین باب است. جدا کردن بستر فرزندان در آستانه سن تمیز نیز بخشی از برنامه پیشگیری از گناهان است. امام کاظم (ع) فرمود:... هنگامی که فرزندانتان به ده سالگی رسیدند، بسترشان را از هم جدا کنید. [۲۸].

فرزندان و مسوولیت

مسوولیت دادن به فرزندان از روشهای مؤثر تربیتی است. مسوولیت، اگر متناسب با توان کودکان باشد و در انجام دادن آن یاری شوند، اعتماد به نفسشان را تقویت می‌کند و آنان را برای پذیرش و به انجام رساندن مسوولیت‌های بزرگتر آماده می‌سازد علاوه بر این، کودکان احساس می‌کنند که والدین برای آنها احترام قایلند و آنها را ناتوان نمی‌انگارند. پیشوای هفتم شیعیان، در فرصتهای مناسب، به فرزندانش مسوولیت می‌داد. سلیمان جعفری می‌گوید: هنگامی که یکی از فرزندان امام کاظم (ع) در بستر مرگ بود، حضرت به فرزندش قاسم فرمود: بر بالین برادرت سوره صافات بخوان. قاسم قرائت سوره صافات را شروع کرد و چون به آیه «اهم اشد خلقا ام من خلقناه...؛ رسید، برادرش وفات یافت...» [۲۹]. آن حضرت همچنین، همزمان با وصی اصلی قرار دادن حضرت رضا (ع) سه تن از فرزندانش (عباس، اسماعیل و احمد) را در مسوولیت وصایت با امام هشتم (ع) همراه ساخت.

ناآرامی کودکان

برخی از کودکان بسیار شلوغ، پرتحرک و ناآرامند؛ به هر کاری دست می‌زنند و چه بسا سبب آزار والدین می‌شوند. برخی از والدین در برابر آنها موضع می‌گیرند، لب به سرزنش می‌کشایند و آنان را نابهنجار به شمار می‌آورند؛ در حالی که تحرک و ناآرامی کودکان معمولاً طبیعی است و کسانی که در کودکی شلوغ و پرتحرک باشند، در جوانی آرام و بردبار خواهند شد. بنابراین بجاست والدین کمر همت ببندند و با صبر و حوصله، خود را برای گذر از این دوره حساس و چه بسا طاقت فرسا مهیا سازند. امام کاظم فرمود: تستحب عرامه [۳۰] الصبی فی صغره لیكون حلیمًا فی کبره؛... ما ینبغی ان یکون الا هکذا؛ سزاوار است فرزند در کودکی شلوغ و پرتحرک باشد تا در بزرگی صبور و بردبار شود؛... و جز این روا نیست. [۳۱].

تفاوت آری، تبعیض هرگز

تبعیض و تفاوت دو واژه نزدیک، ولی متفاوت است. تبعیض بدین معناست که در میان افراد همپایه و همسان بی دلیل فرد یا افرادی را برتر به شمار آوریم؛ ولی تفاوت عبارت است از برتری شایستگیان. در سیره تربیتی امام کاظم (ع) تبعیض ممنوع و تفاوت مجاز شمرده شده است. تبعیض میان فرزندان بذر کینه و اختلاف و بدبینی به والدین را در دل کودکان می‌پراکند. امام کاظم (ع) از پدرانش چنین نقل می‌کند: مردی یکی از دو فرزندش بوسید و دیگری را رها کرد. رسول خدا(ص) [با ناراحتی] فرمود: چرا بین

آن‌ها به مساوات رفتار نمی‌کنی؟ [۳۲]. تفاوت اگر بجا و منطقی باشد، موجب پیشرفت فرزندان می‌شود؛ زیرا حس رقابت سالم را در آنها تقویت می‌کند. امام کاظم (ع) در مواردی میان فرزندان تفاوت قایل می‌شد. رفاعه از حضرت موسی بن جعفر (ع) پرسید: ای فرزند رسول الله، مردی چند پسر دارد؛ آیا برتر شمردن یکی بر دیگران، درست است؟ امام (ع) پاسخ داد: نعم، لا بأس؛ قد کان ابی (ع) یفضلنی علی عبدالله؛ بلی، مانعی ندارد؛ زیرا پدرم [حضرت صادق (ع)] مرا بر عبدالله، برادر بزرگترم ترجیح می‌داد. [۳۳]. حضرت رضا (ع) نیز فرمود: پدر بزرگوارم اسماعیل را، با آنکه از عباس کوچکتر بود، در تولیت صدقه اموال بر عباس مقدم داشت. [۳۴]. شیخ مفید می‌نویسد: «احمد بن موسی شخصی بخشنده، بزرگوار و با ورع بود، امام کاظم (ع) او را دوست می‌داشت، بر دیگران مقدم می‌شمرد و مزرعه خود را به او بخشید.» [۳۵]. تفاوت نهادن میان فرزندان امری بسیار ظریف و حساس است و نیاز به کمال دقت و ظرافت دارد؛ زیرا ممکن است فرزندان آن را تبعیض پندارند. پس والدین باید: ۱- هنگام تفاوت نهادن میان فرزندان، به گونه‌ای رفتار کنند که کسی آن را تبعیض به شمار نیآورد؛ ۲- دقت کنند که سبب برتری فرزندی که برتر می‌شمارند، کاملاً آشکار باشد؛ ۳- در صورت امکان، امتیاز فرزند برتر را، با عباراتی سازنده، بیان کنند. امام هفتم (ع) در مواردی حضرت رضا (ع) را بر دیگران ترجیح می‌داد، او را الگوی دیگر فرزندان معرفی می‌کرد و وجه برتری‌اش را آشکار می‌ساخت. اسحاق بن موسی (ع) می‌گوید: امام کاظم (ع) به فرزندان می‌فرمود: برادران علی (ع) دانشمند آل محمد (ص) است، درباره دینتان از او پرسید و آنچه بیان می‌کند، به خاطر بسپارید. همانا ابوجعفر (ع) به من فرمود: دانشمند آل محمد در شمار فرزندان تو خواهد بود. کاش وی را درک می‌کردم. بی‌تردید او همان امیر مؤمنان [علی] است. [۳۶].

موقعیت اجتماعی فرزندان

فرزندان تا وقتی به بلوغ شرعی، عقلی و اجتماعی دست نیافته‌اند، به مراقبت والدین و هدایت آنها نیاز دارند. فراهم ساختن زمینه مساعد برای دستیابی فرزندان به جایگاه اجتماعی مناسب، بخشی از وظایف والدین در برابر فرزندان است. آنها باید، برای رسیدن به این هدف، فرزندشان را در انتخاب شغل مناسب یاری دهند. چه بسیار فرزندی که بر اثر بی‌توجهی والدین به مشاغل پست و منفی تن داده‌اند و به خاطر محروم بودن از راهنمایی‌های سودمند والدین از موقعیتهای ارزشمند و شایسته اجتماعی محروم شدند، سرانجامشان به رذالت و پستی گرایید و مایه ننگ و خواری والدین گردیدند. امام کاظم (ع) فرمود: شخصی [با فرزندش] خدمت رسول خدا (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، حق این فرزند بر من کدام است؟ حضرت فرمود: نام نیکو برایش انتخاب کن، او را ادب بیاموز و در موقعیتی نیک قرار ده. [جایگاه اجتماعی مناسب برایش فراهم ساز] [۳۷]. در حدیث دیگری می‌فرماید: شخصی همراه فرزندش خدمت پیامبر (ص) رسید و گفت: یا رسول الله، من به فرزندم نوشتن آموختم، او را به چه کاری گمارم؟ حضرت فرمود: او را به کاری که خشنودی خداوند در آن است بگمار و از پنج شغل بازدار: سیائی، صائغی، قصابی، حنطی و نحاسی. مرد پرسید: سیاء کیست؟ فرمود: کسی که کفن می‌فروشد و برای اتمم آرزوی مرگ می‌کند. همانا نوزاد امت من، نزد من از آنچه خورشید بر آن می‌تابد، محبوب‌تر است. صائغ کسی است که در پی زیان [۳۸] امت من است؛ قصاب ذبح می‌کند تا آنکه رحمت از قلبش می‌رود؛ حنط کسی است که غذا را احتکار می‌کند، همانا اگر خداوند محترک را در حال دزدی مشاهده کند، بهتر است از اینکه او را چهل روز در حال احتکار ببیند؛ اما نحاس [برده‌فروش] جبرئیل نزد آمد و فرمود: ای محمد، بدترین امت کسانی‌اند که مردم را می‌فروشند.

والدین و موعظه فرزندان

هرچند روش غیر مستقیم و زبان عمل از زبان گفتار نافذتر است و معصومان (علیهم السلام) بیش از آنچه می‌گفتند با کردار خود،

مردم را ارشاد می‌کردند؛ ولی پند مستقیم نیز در سیره آنها بسیار مشاهده می‌شود. امام کاظم (ع) بعضی از فرزندان را چنین اندرز می‌دهد: فرزندم! پرهیز از اینکه خداوند تو را در گناهی که از آن نهی‌ات کرده، ببیند؛ پرهیز از اینکه پروردگار تو را از اطاعتی که بدان فرمانت داده، دور مشاهده کند. بر تو باد به تلاش و کوشش. هرگز خود را از کوتاهی در عبادت خداوند تهی مشمار؛ زیرا خداوند چنان که شایسته است عبادت نمی‌شود؛ و از مزاح پرهیز که نور ایمانت را می‌برد و تو را سبک می‌سازد؛ و از اندوه و کسالت دور باش، که از بهره دنیا و آخرت جلوگیری می‌کنند.» [۳۹].

مسافرت خانوادگی

مسافرت‌های خانوادگی می‌تواند اثر تربیتی داشته باشد؛ زیرا: ۱. باعث نشاط و شادابی اعضای خانواده می‌شود؛ ۲. سبب استمرار نظارت پدر، که در حیات تربیتی فرزندان ضروری است، می‌گردد؛ این امر، بویژه امروزه که پدران به سبب مشاغل زیاد در خانه کمتر حضور دارند، بسیار مهم است. ۳. زمینه بروز استعدادها و شناخت نقاط ضعف و قوت کودکان را فراهم می‌آورد؛ ۴. میدان مناسبی برای تجلی اخلاق اجتماعی و تمرین صفات پسندیده‌ای چون همکاری، تعاون، نعدوستی، ایثار و گذشت به شمار می‌آید؛ ۵. چنانچه سفر، زیارتی باشد سبب تحکیم اعتقادات و توجه به معنویات می‌شود. علی بن جعفر، برادر امام کاظم (ع) می‌گوید: چهار مرتبه در رکاب حضرت کاظم (ع) بودم و حضرت همراه خانواده‌اش سمت حج راه می‌سپرد. این سفرها گاه ۲۶ روز، زمانی ۲۴ روز و گاه ۲۱ روز به درازا می‌کشید. [۴۰].

تربیت از تولد تا مرگ

امام (ع) هنگام تولد فرزندش رضا (ع) کلمات زیبای اذان و اقامه را در گوشش زمزمه فرمود و روان نورسیده خود را با آوای توحید صفا بخشید. نجمه مادر حضرت رضا (ع) می‌گوید: هنگامی که وضع حمل کردم پسر [علی بن موسی] دستهایش را بر زمین قرار داده، سر را سمت آسمان بلند کرد و لبهایش را حرکت داد، گویا سخن می‌گفت. پدرش موسی بن جعفر (ع) بر من وارد شد و فرمود: ای نجمه، کرامت پروردگارت گوارایت باد. آنگاه نوزاد را، که در لباس سفید پیچیده بودم، به حضرت دادم. امام (ع) در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت؛ آب فرات خواست، کامش را با آب فرات آشنا ساخت؛ سپس او را به من داد و فرمود: بگیری که بقیه الله در روی زمین است. [۴۱] حضرت حتی در لحظات پایانی عمرش نیز به تربیت فرزندانش می‌اندیشید. آن بزرگوار در وصیت‌نامه‌اش نکات تربیتی مهمی به یادگار نهاده، می‌فرماید: ... درباره صدقات و اموال و فرزندان وصیت می‌کنم ابراهیم و عباس و اسماعیل و ام احمد و علی را، بویژه در امر زنان؛ و پسر علی (ع) در امر آنها مختار است نه پسران دیگر. همچنین در صدقه و ثلث پدرم و درباره اهل بیتم او اختیار دارد... من دارای اموالی هستم که صدقه قرار داده‌ام؛ فرزندم علی بدان آگاه و راست گفتار است و باید بدین وصیت عمل کند. و اگر از برخی از فرزندانم به عنوان وصی نام بردم، برای احترامشان بوده تا در اجرای وصیت شرکت کنند. فرزندان و همسرانم هر یک در همان خانه‌ای که هستند، اقامت و با مقصداری ثابت از صدقات معین زندگی کنند... هیچ یک از فرزندانم حق شوهر دادن دخترانم را ندارند، مگر به فرمان رضا (ع). اگر رضا ناخشنود بود و کسی بدین کار اقدام کرد، با خداوند و رسول و ولی‌اش مخالفت کرده، در مقام جنگ با حق برآمده است. اگر فرزندم رضا صلاح دانست، آنها را شوهر می‌دهد و اگر نخواست نکه می‌دارد. [۴۲].

پاورقی

- [۲] زندگانی امام کاظم (عمادزاده)، ج ۱، ص ۳۲۵.
- [۳] همان، ص ۳۱۸.
- [۴] همان، ص ۳۳۴.
- [۵] همان، ص ۳۲۵.
- [۶] همان، ص ۳۳۴.
- [۷] مسند امام کاظم (علیه السلام)، ج ۲، ص ۵۳۶.
- [۸] همان، ج ۳، ص ۱۲.
- [۹] بحار، ج ۴۹، ص ۵.
- [۱۰] همان، ج ۴۸، ص ۲۷۹ (پاورقی).
- [۱۱] الکافی، ج ۶، ص ۱۸.
- [۱۲] همان، ص ۱۳.
- [۱۳] زندگانی امام کاظم (علیه السلام) (عمادزاده)، ج ۱، ص ۲۸.
- [۱۴] بحار، ج ۴۸، ص ۲۸۷ - ۲۸۳.
- [۱۵] همان، ص ۲۸۹.
- [۱۶] حیات الامام موسی بن جعفر (ع)، باقر شریف القرشی، ج ۲.
- [۱۷] الکافی، ج ۶، ص ۲۴.
- [۱۸] همان.
- [۱۹] سوره ص، آیه: ۳۹.
- [۲۰] بحار، ج ۴۹، ص ۱۱۰، ح ۱۲.
- [۲۱] ترجمه عیون اخبار الرضا، ص ۱۴.
- [۲۲] مفیده نام مکانی است که در نیمه راه کوفه به مکه واقع است. معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۸۲.
- [۲۳] بحار، ج ۴۸، ص ۲۸۹.
- [۲۴] همان، ص ۲۳.
- [۲۵] الکافی، ج ۶، ص ۵۰.
- [۲۶] مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۵۸.
- [۲۷] همان.
- [۲۸] حیات الامام موسی بن جعفر (ع)، ج ۲، ص ۴۳۰.
- [۲۹] صبی عارم: بین العرام بالضم ای شرس (مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۱۳) و الشرس هو السیء الخلق، بین الشرس (همان، ج ۴، ص ۷۸)؛ عرم عرامه: اشتد و خرج عن الحد (المنجد) در برخی کتب عرامه را تحمل سختی و مشقت کودک معنا کرده‌اند که به نظر می‌رسد صحیح نباشد.
- [۳۰] الکافی، ج ۶، ص ۵۱.
- [۳۱] مسند امام کاظم (ع)، ج ۱، ص ۴۸۱.
- [۳۲] همان، ج ۳، ص ۷.

[۳۳] عیون اخبار الرضا (ع)، ص ۲۷.

[۳۴] الارشاد، ج ۲، ص ۲۴۴.

[۳۵] کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۰۷.

[۳۶] الکافی، ج ۶، ص ۴۸.

[۳۷] در نسخه تهذیب و استبصار «دین» امتی ذکر شده. (تهذیب، ج ۶، ص ۳۶۲ و استبصار، ج ۳، ص ۹۶).

[۳۸] مسند امام کاظم (ع)، ج ۲، ص ۳۹۱.

[۳۹] تحف العقول، ص ۳۰۶.

[۴۰] بحار، ج ۴۸، ص ۱۰۰.

[۴۱] عیون اخبار الرضا، ص ۱۷-۱۶.

[۴۲] بحار، ج ۴۸، ص ۲۷۶-۲۸۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
 ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۰۰۰
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

